

خط رقصه

نمودات و مرکبات خط رقعه از دفتر خط تحریرت طبع مطبوعه شهر تهران سال ۱۳۰۶ قمری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ص ص ص ط ط ط ع ع ع ف ف ف ك ك ل ل م م ن ن ن ر ر ه ه ل ل ی

ا ب ب ج ج د د ر ر س س س س ص ص ص ط ط ع ع ف ف ك ك ل ل م م ن ن ن ر ر ه ه ل ل ی

ص ص ص ط ط ط ع ع ع ف ف ف ك ك ل ل م م ن ن ن ر ر ه ه ل ل ی

بَابُ الْكَلِمَاتِ الْبُرُوقِ وَالْمُرْتَبَاتِ وَالْمُرْتَبَاتِ وَالْمُرْتَبَاتِ وَالْمُرْتَبَاتِ

بَابُ الْكَلِمَاتِ الْبُرُوقِ وَالْمُرْتَبَاتِ وَالْمُرْتَبَاتِ وَالْمُرْتَبَاتِ وَالْمُرْتَبَاتِ

بَابُ الْكَلِمَاتِ الْبُرُوقِ وَالْمُرْتَبَاتِ وَالْمُرْتَبَاتِ وَالْمُرْتَبَاتِ وَالْمُرْتَبَاتِ

بَابُ الْكَلِمَاتِ الْبُرُوقِ وَالْمُرْتَبَاتِ وَالْمُرْتَبَاتِ وَالْمُرْتَبَاتِ وَالْمُرْتَبَاتِ

بَابُ الْكَلِمَاتِ الْبُرُوقِ وَالْمُرْتَبَاتِ وَالْمُرْتَبَاتِ وَالْمُرْتَبَاتِ وَالْمُرْتَبَاتِ

بَابُ الْكَلِمَاتِ الْبُرُوقِ وَالْمُرْتَبَاتِ وَالْمُرْتَبَاتِ وَالْمُرْتَبَاتِ وَالْمُرْتَبَاتِ

بَابُ الْكَلِمَاتِ الْبُرُوقِ وَالْمُرْتَبَاتِ وَالْمُرْتَبَاتِ وَالْمُرْتَبَاتِ وَالْمُرْتَبَاتِ



خط نستعلیق - این خط از دو خط نسخ و تعلیق آمیخته شده و نستعلیق یا نستعلیق گفته اند و مسلم است که از دو استخفاف
این دو بیکدیگر تمیزی قاعده است بدین قرار :

۱- غزای تعلیق در طره بعضی حروف که در نسخ بود، در این خط بکلی متروک گردیده و منقصر آثاری که از ثبوت در نسخ مانده بود،
در این خط یکبار برده شده است .

۲- حروف (پیش، ن، ی) که در اول خط نسخ کاهی بر دو نقطه فرستشکی داشت (مانند لیس لیس) در این خط کوتاهتر
و بقده یک نقطه شده است (مانند بس، بط، یع، یو، ...). و از آنکه گاه یک نقطه ای نسخ (مانند م، ...)
در نستعلیق نظر نیز و کوتاه تر شده است (مانند م، ...).

۳- این شکلهای نستعلیق (س، نعت، بنمیر) از خط ثبوت (س محمد مصر) و این شکلهای
(لحظه، الحاج، الحسن، ...) از خط قاجار نسخ دیده میشود (مخضطر لحظه، الحاج، الحسن).

۴- ارسال که در خطوط سابق الف که وجود داشت در این خط مرسوم نشده است .

۵- باز بسته بودن فواصل و بین و واد و نیم و نستعلیق کلمه تعلیق و نسخ ایرانی را دارد (بنیراز در واد و نسخ
و نیم حلقه ای آن)

۶- تمام اشکال و حرکات خطی نستعلیق با نسخ شباهت دارد و از نظم و تعادل و درستی نسخ پیروی کرده است با زیاده
و لطافت بیشتر، و حرکات دور در این خط بیشتر از نسخ است . و دامنهای حروف و کلمات نستعلیق سهولت برای
یاباشد (بسته صفحگانند)

۷- حرکات ثقی و نیز و تندی حروف و کلمات نستعلیق از تعلیق اندک شده است، بر بنهای ظرافت و زیبایی بیشتر، و بهیچوقت
حروف و کلماتش متقاطع نمیشود، و جمع و جور (گرد و فند) و فرجه و کیوانت بر کسی سطرهای نشیند. و بنیراز حالت کتیبهای
که با همک و اتفاق بنشیند، در هم نوشته نمیشود . الف در این خط میزان را نقطه است و اندازه حروف و دیگر از آن معلوم میگردد .
برای نونهای نستعلیق تقسیم نستعلیق را جمده و تقایید فرماید :

آسمان بار امانت نتوانست کشید قرعه فال بنام من دیوانه زدند

خط شکسته - خطی است که در آن بیشتر از روش و انحناءات در جهت تعلیق بر روی شده است و از اخطار تسلسل هم گفته اند که سخت خوان و شکل است و امروز کمتر بر روی می شود. در برخی شکسته تعلیق که بر شمی و سا و کی - خط است تعلیق گرانیچه و طرفدار زنده دارد. و خط شکسته خطی کیست. و خاص نیست بلکه آینه تازی از تعلیق و استمعیق میباشد. و بنگران از این منظور به نرسی و استیج بآن، پدید آورده اند. این خط از قرن نهم و دهم مآل کن در ایران برای نوشتن با نرسی و نارسه و احکام و پیش نویسها در نوشته ها و دفاتر و غیره بکار گرفته شده است. ولی در سایر ممالک اسلامی خطی که آن را تغنی شکسته اند.

تغنی شکسته - با تعلیق و استمعیق از این قرار است :

- ۱- الف شکسته از دو نقطه و نیم آچار نقطه است و بنا بر بالای خط و کج (بطرف راست صفحه کاغذ) و بدست باغره زده میشود مانند کوزه (است)
- ۲- حرفه منقصه در این خط مانند تعلیق ولی مقدار کمتر - بنا بعد خودی میبندد اعم از اینکه ما بعدش منقصه باشد یا متصل مانند (آنها، فعلا، میگویند، میگفته، بجه، بجه، است، الفه، جهم، است، افالم،)
- ۳- مانند تعلیق کلماتش گاهی درشت اندام و گاهی ضربه بجهان تمام نمی نیند. دیده میشود.
- ۴- زیبایی خاطر آن از تعلیق همیشه در مرغوبتر و بر استمعیق نزدیکتر است. و ظرافت و زیبایی و اعتدال در این خط آشکار است.

۵- در این خط قلم روان و سریع حرکت میکند. سرعت آن از تمام اقسام زیادتر است. نقطه قلم شکسته حروف و با نقطه است.

۶- مدت در این خط به هم تعلیق و نسخ است. و مشابهات آن کمتر از تعلیق میباشد. (ر - س - س - س) - **سر - سر - سر - سر - سر - سر - سر** - تکدگر: برای توضیح بیشتر و تعاریفات به تعلیم شکسته مراجعه شود.

تذکره: برای اجمال این بحث در صفحات ۲۱۲ و ۲۱۳ جدولی ترتیب یافته و حروف الفبایی خطوط مقابل هم نهاده شده است. و در آن از شکستهای مخالف با اصل الفبایی خودداری گردیده و برای اندازه گیری و تعاریفات، پهنای تمام قلم در تمام خطوط یکسان گرفته شده و با خط مختلف

شکته	نتعلیق	رقعه	دیوانی	تعلیق	نسخ
ا ا ا ا	ا ا	ا ا	ا ا ا ا	ا ا ا ا	ا ا ا ا
ب ب ب	ب ب ب	ب ب ب	ب ب ب	ب ب ب	ب ب ب
ح	ح	ح ح ح	ح ح ح	ح ح ح	ح ح ح
د	د	د	د (دو ذریعہ)	د	د
ر ر	ر ر	ر	ر	ر ر	ر (ت (سر)
س س س	س س	س س س	س س س	س س س	س س س
ص ص	ص	ص	ص	ص	ص ص
ط	ط	ط	ط	ط	ط
ع	ع	ع	ع	ع ع ع	ع
و و و	و و	و	و	و و و	و و و
ق ق	ق	ق	ق	ق ق ق	ق ق ق
ک ک ک	ک ک	ک ک	ک ک	ک ک ک	ک ک ک
ل	ل	ل	ل	ل ل ل	ل
م م	م	م	م	م م م	م م م
ن ن ن	ن	ن	ن	ن ن ن	ن ن ن
و و	و	و و	و و	و و و	و و و
ی ی ی	ی ی	ی ی ی	ی ی ی	ی ی ی	ی ی ی

خطوط اهبود در ممالک اسلامی رایج و متداول است و هفتاد و نه جزایر هندویشیه در میان است .

ششده و هشتاد و نه جزایر اسلامی ششده است : ترکی و عربی ، ایرانی ، هندی و پاکستانی و افغانستانی ،
 ششده و هشتاد و نه جزایر غیر اسلامی ششده است . در اکثر خطوط افکار کاتبی تند و دایره و بیضی و دایره مثلث
 و اجازت و ایرانی در تمام

دشده و ایرانی حرکات خطی لایم و با سقاقت و تعادل نظم بیشتر شده است .

این دو شیوه ، فاصله تفاوت چندانی با هم ندارند . اما ششده و هندی و پاکستانی و افغانستانی در اغلب خطوط از آن دور
 فاصله و بعد تفاوت پیدا کرده است .

این خطوط که اکنون میان مسلمانان جهان متداول است ، با واقع و حقیقت امر خطوط اسلامی میباشد که بستهای عموم مسلمانان
 از عرب و عجم و ترک و سیاه و سفید و آن کار کرده است و اقتباس برگرفته از آن کرده و دیگر ندارد . بجز ششده و هندی خاص هر یک
 و لذا بر خده مسلمانان است که امروز این آثار منقطع و متداول خود را که جاری و زریح کشند ، و افکار نظریه و دعوات بیکایگان --
 و مخالفان و آشنائی را که صلح و شایستگی ندارند ، چیزی نشانند و جاهلند بهند که هدف آنها نیز سنگ تفرقه انداختن و شتاب قوی را
 بر هم زدن ، و مضایق ساختن صنایع و بهتر چیز دیگر نیست . و بدانند که بیزاران شکر نهند ، و آنانان دشمن علم و دانشند ، و آنانان که تازند

التحیة فوق العلیة و تجریم جز بر پایه و اساس تجریم های پیشینیان نامیرا
 و المصلی مخطورة الاعلی تمیخ فوق بنیاء التالیف

یکت را بر من مقام نوزادانی از خطوط مختلف ششده و هندی مختلف آورده و میشده



فر خلیة المواب
 و الا و المواب
 لمصر و الفکر لفقول
 الله فانه یو و فکول
 الله فکول الله فکول
 م حجاب و فکول
 بال الله فکول

کوفی نرینی (لاله الامام شهید مولانا)



(سلف صالحان الهم شهدا فداه لاله الامور للانبياء واولادهم)

فاتنا بالنص لاله الامور المرزالمسکين

کوفی نالی خط

(از دعای استخوان)

(با شعر و آیه قرآنی و دعا های عزیز)



سفرای از قرآن مربوط به قرن
نورده هر یک بنویسی از خطاطان ایران
(دست برداشته محقق دست خط
که در اصل بنام خوشبخت و نام دیگر که در آن
کت داشته قطع شود با فوت است)

كَفَرُوا قَبْلَكَ مَهْطِعِينَ

عَمَّا أَمِنُوا وَعَمَّا نَسُوا عَزِينَ * أَوَّلَ مَنُوعٍ كُلِّ مَنِوعٍ كَرِهَتْ
دَخَلَ حَتَّى تَعْبِيَهُمْ * كَأَنَّا نَاخِلُ سَائِرِهِمْ مِمَّا يَعْلَمُونَ * فَلَا تَهَيِّضُنَّ
رَبِّتِ السَّازِغَةَ وَالْمَعَارِبَ إِنَّا لَمُعَادِرُونَ * عَلَىٰ أَنْ يُبَدِّلَكَ

خَيْرًا مِنْهُمْ وَمَا نَحْنُ بِسَبُوقِينَ

فَلَدَرُهُمْ بِحُضُورِ بَلْعَبِ وَأَحْتَى لِأَفْوَاتِهِمْ الَّذِي يُوعَدُونَ *
يَوْمَ تَخْرُجُونَ مِنَ الْجُبَاتِ تَرَاءِمَا كَأَنَّهُمْ أَلْصِقُ بُونُوقُونَ *
خَائِسَةٌ أَبْصَارُهُمْ رَهْفُهُمْ ذَلَّةُ ذَلِكَ الْيَوْمِ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ *

سورة الفجر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سلام عالی طلبه تدریس از خط آیت الله العظمی کتبه
مؤلف هذا الکتاب بر سر العقوق والنسج و رتبه کمال هم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اقْرَأْ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ

سید ابوالحسن
از مخطوط

که در آنجا نشانی است که در آنجا نشانی است که در آنجا نشانی است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(از مخطوطات ورافع شمسان)

از مخطوطات شمسان - خط غریب العین وکیل

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
سُورَةُ الشُّورَةِ عَرَفِي (الجمعة)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حروف الفباء النسخ

عقلاكم منوهه لاي

قَالَ رَبُّنَا اللَّهُ مَكَرِي اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
أَلَا أَرْضِيكُمْ مِنْ مَنِي السَّمَاءِ
لَا أَلَا حُلَّ الْجَنَّةِ الْأَخْيَرِ
أَلَا أَرْضِيكُمْ مِنْ مَنِي السَّمَاءِ
قَالَ رَبُّنَا اللَّهُ مَكَرِي اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
أَلَا أَرْضِيكُمْ مِنْ مَنِي السَّمَاءِ
قَالَ رَبُّنَا اللَّهُ مَكَرِي اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
سُورَةُ الْفُقَرَاءِ مُحَمَّدٍ الْبَغْدَادِيِّ عَمَّرَ اللَّهُ لَهُ ١٢٨٢

أَلَا أَرْضِيكُمْ مِنْ مَنِي السَّمَاءِ
قَالَ رَبُّنَا اللَّهُ مَكَرِي اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

مختار

اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْتَعِينُكَ فِي
أَلَا أَرْضِيكُمْ مِنْ مَنِي السَّمَاءِ
قَالَ رَبُّنَا اللَّهُ مَكَرِي اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

ليكن به تمام مرتب
بوست شال ہے نور
اچھ کچھ حرکات ہر نہمان
بسداست منہما ہو باریک

لکھ میں لفظ کا توالف کو
موترب کرین الٹ کولے پا
اور آہن کنا تیر ہون ارجان
پڑوسنے یوں کھلے کوشیک

تعمیر

مترجم ورائے لکھنؤ

قَطْعُهُ خَطْمُ صَنْعَتِ خُمْسَلَسَلِ جَلِيلِ سَعِيَجِمِيلِ عَزِيْزِ الدِّيْنِ وَكَلِيْلِ



نوشته شده به مناسبت
روز افزای مهر

نوشته شده به مناسبت
روز افزای مهر

نوزده خفیه
عالم از وی یافت
بسم حسرت که گوید
هر زود و در

امروز بنا کردت عالم
کانت اولی بران عالم
مستعدی آمان
کلاسته بر آرزوالم
کاره با سازگارم
کرده است و او را عالم
معیار از سبب ان
نوزده خفیه

این شعر نقل شده از یکی از بزرگان
بود که در آن زمان که طاعت
باید می نمودند از آن می گویند
و اگر وقت کتبه می نمودند این
قوله می شد از آنکه آن است
ز یاد آن کشته از کجا است
نام تو را در سانه نبسته اند
کسی و قرینه های سعاد

رسم که دست لایق که زده است از آن است و هر چه ای بسبب
شاید هر چه از آن نقل کند و او دست هم مثل آن نویسد. لذا مرا
بنا برین دادند که گویم و میرا نیز نقل کند که از سر نقل می اند

نوشته شده به مناسبت

گرم است بهر زمانه بازار
بهتر ز همه شغل بود کار
بهر خسته های و سزانی دارد
سر سبز به چار فصل گلزار

توضیحات :

- با ارائه نمونه ها و مقایسات ، اصل و اساس خطوط اسلامی ، اشتقاقاتی که روی داده ، همچنین تصریحات فاروانی که در بعضی خطوط شده و راه رفع نقیصه آنها را باز نمودیم ، و اکنون با ابراهیم چغتای آذری این بحث را با پایان ببریم :
- ۱- ولیف خطاطان دولیسنه کان اسلامی است که برعکف اصل الفبا و ترکیبات امیل آن تعریف و بدعت رواندازند - و تاحه امکان هم آتجلی و اصلت خطوط اسلامی را رعایت حفظ کنند و با ذوق سلیم خود شکلهائی را که با اصل الفبائی «مطلوبه» دور برینند ، اصل نشئت و تفریق از هر جهت بر طرف کرده .
 - ۲- غیر از جهت خطامت اول عصر و فروع آنها که مجموعه داده و از ده نوع خط است ، و در خط دیگر بنام نیلی و سیاقیت از بدعتها خطاطان ترک است که در حد اول نظر خط الفبا و نمونه آنها ارائه شده ، و بناچار آشکار کردیم که این دو خط هیچ وجه شایستگی آزانمانند کرسی در دینت خطوط فرعی هم قرار گیرند زیرا بجلی الایمیر خطوط اسلامی خارجند ، و شایسته است که خطاطان حتی برای تعقیب رسم ننویسند ، و انصاف دیند که همین داده و نوع برای نوشته ها و کتابات که تا کنون در برای هر نوع تفریق کافی و بسنده است .
 - ۳- بعضی از کتابان آزانمند نو در آذری و بدعت دست همچنین کبر و دنیا با زیاده و برخی هم بدون مال اندیشی و تدبیر و بدون مقایسه و محاسبه ، پروری کرده ، کار خطاطی و خطوط اسلامی را در روز آشفته تر ساخته و میسازند . سزاوار است از این رویه خودداری کنند و از نوشتن عباراتی که در آن رعایت اصل نشده و در واقع نقص و ناتمام است صرف نظر نمایند . از اینجمله این نمونه ها را بخوبی و فاروانی آنها باز یادید :

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

در این سوره کلمه الرحمن صوف اصل است و در کلمه الرحیم ، باه صوف اصل است .

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

در این سوره کلمه الرحمن (الرحیم) ناقص و صوف اصل است .

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

واین سبده، هر چهار کلمه ناقص و برعکس است .

۳- منقوت از باب معناه لغوی نمی‌باشد

۱- آله که مبتدیان هستند و نکته آرزوهای بزرگ (آله) از نشانه ذمه است (ع) در خط نستعلیق که از تمام نوشته‌ها جداست و از جهت آله است

۲- صاحب‌الزمان بجای یا صاحب‌الزمان و.....

نکته از این نمونه با نمونه‌های بسیار دیگر در تامل با مشاهده میشود که در زبان فارسی وارد و در مواقع با اصل خطوط است. و از این جهت خطوط در همه‌ی مردم بی‌شمار است که از بعضی نکات آن نیز یادداشت
۳- در خطوط اسلامی خصوصیات و ویژگی‌های است که در دیگر خطوط یافت نمیشود. تعدادی از آن در جدول گفته شده یکی از آنها تنوع در اشکال و صور مردنی و کلمات است. تنوعی که هم در اصل است و در مورد بوده است. با شرط دور کردن اشکال از او شبیه-

این تنوع دو خاصیت دارد یکی کمک در زیبایی و هنرآمیزید و کاتب در هر خطی که وسیع قرار میدهد تا بتواند هنرنمایی کند و دیگری آنچه برای رفع سستی تباد و التباس آن است استفاده میشود و خواندن آسان می‌آید. تنوع در شکلها همچون تنوع در لفظ و آهنگ مبع

بدلیل متنوعی است که در خطوط و پسند لبايع واقع میشود. مثال (دخول) اللهم الله اللهم اللهم - اللهم

الله اللهم - (دخول) بتر بهتر بتر محمد محمد (دخول) ن س ن

درخت صر صر و.....

۵- دیگر از خصوصیات است که تقریباً خطی از خطوط اسلامی برای مردی خاص بکار میرود. اگر چه می‌توانیم بطور کلی بگوییم که هر ریزه‌دشت متوسط، و بوی یکدیگر نیز داریم. بکن عموداً منبسط و در عمده شکست و رقع و اجازت و بیجان را در زیر نوس بکار بردن مثل نسخ و بیجان بیشتر برای قرآن و ادب و کتب حدیث، و در عمده شکست در نامه‌ها و پیش‌نشانها و در قرآن می‌باشد. اما کتب در وقت استتیب هم بر دویم دشت کثافت میگردد و در کتب مهم و ارزشمند تاریخ بناها و فرمانها کتیب استعمال میشود. و دیگر آنکه هر خط را میتوان کمی منبسط و واضح یا کمی منقبض و محکم بشود و آنکه مطلقاً قواعد میشود و خط نباشد.

از میان خطوط اسلامی مثلث و منحنی و نستعلیق شکسته در کشور ایران بسیار رایج و متداول است و هر یک در موارد خاص خود
 و گاهی بی‌سهم در غیر موارد خود و بجای یکدیگر نوشته می‌شوند .
 ۷ - گذشته از تقسیم و تقصیم و حذف و دیگر از خطوط اسلامی دیگر است یکی زیبایی منظر در کلمات و روشنی آن و اساساً
 زیبایی روشنی و وضوح را بدینال دارد . جمالی انوس است که بیشتر دست‌نویسان این نکته را بنظر نیامده و یا متغافل کرده‌اند
 در صورتی که زیبایی منظر در روشنی کلمه و جو و صفوهای خط ، برای جلب خواننده و رغبت و اعزاز اجتناب نرود و مزاد رغابت است
 . خطوط همین منظر در بعضی موارد با شرط ضرورت داشتن بلفظ و معنی و بسیر و استادان خط از دست‌نویس می‌کنند مانند پیکان
 می‌استمرای که دست‌نویسان ، بدانوشن آزار استوار داده‌اند ، مثلاً (می‌سپرد ، می‌کند) می‌نویسند همچنین در نوشتن
 حرف‌شماره بی‌سهم در مثل (بنام خداوند جان و خرد) که ضرری بلفظ و معنی ندارد و زیبایی بیشتر آن دیده . و بسا که در بسا
 از کلمات خواندن را آسان و سیرت‌میزان و جهانی که کلمه را زیاده یا ناخوانا کند اگر چه فعل باشد بدانویسند مانند (بی‌سببیم)
 و از این قبیل است (بی‌بیهوشی بر قدر خویش) .

تعبیر در این است که در اشعار عطف روش استوار بسیار است و آهنگار معارف می‌داند (۱) ولی در خط که هنری کمتر از
 آن نیست و پیوستگی بیشتر با دست‌نویس دارد ، توجهی نداشته و آشنائی قائل نشده‌اند . بجز چند تن از استادان و انگاره که
 با دست‌نویس مکرر نظر خویش ، خوب و زیبا نوشتن را هم منظر فرموده و تا حدی پاس این‌سخت داشته‌اند ، ولی برخی فقط در چگونگی
 حروف چاپ و ماشین‌تیزتر فکر کرده و اینهمه موارد خطاطی را در نگارگری و کتابت و دفتر نویسی و کتیبه و تعلقات و قرآن
 و ... ناهمه گرفته‌اند . و متأسفانه است که در دست‌نویسی خود تمهید بنظر نکنند و بنای دست‌نویس و دست‌نویس را
 بدو قسمت اساسی که دارند (یکی اعلا و حسن خط ، دیگری نشرو نظیم)

(۱) استادانی که دست‌نویس در خط‌نویس در روش استوار و از راه خود به « شاهانه دست‌نویس » نامتلف کلمه روشنی نرود استند می‌داند
 (سران‌پهلوانی چو که در دست) (کتیبت‌الدیه و کتیبت) و (بنی‌آقا به صاحبان چو ماه به مستنق کجکرات) (کلمه‌نویس نامتلف این بر نامتلف
 آید در اشعار و مضامین هر دو آهنگ است . و صاحب خود مع است بسایق فاسی و در جمع بی‌شمارت . نونه‌ای بسید و کجکرات
 و تقویم و تفسیر اجزاء ، جو و قریه و آهنگار و آهنگار و دیدم و کجکرات از جوانان مشاهیر است (از شاهانه دست‌نویس) (فرخ‌بهر از هم ایرویش)
 ساین فرادادان (۱۰) و (که دست‌نویس کیم همان نام) یعنی کام - (بلایق و برمه‌نویس و کجکرات) یعنی بلایق و کجکرات
 سرور و اینست کین که همان قوی‌ای کجکرات (آفرین) و ...

در ادرات که لازم تعلیم خود را اثبات میکنند یکی دافع و منکر نکاشتن عبارات و طرک و دیگری با اندازه نوشتن کلمات
 بمقتضی و مشابره و احتیاجی که برای رفع اشتباه پدید آید است ❖
 مع الوصف چون خطاط را از دست نوشتن کلمات بر طبق دستور گزینی نیست نفسی در این باره ترتیب یافت
 تا بدان راهبرد فرمایند ❖



تألیف: سید محمد تقی

خطاط: سید محمد تقی

فصل ہفتم

دستور املای فارسی

قیمتبراری از مقالات استادان دانشجو بہت سیرا و جمال الدین ہما (در تقدیر لغت نامہ
 و حمدا)، سعید نفیسی (دکتر استاد)، دکتر شفیق (شاہنامہ و دستور)، دکتر خیامپور (دستور زبان)،
 دکتر تھمجزا اسکور (دستور نامہ)، دکتر فریدورد و دکتر شانی (در مجد و جید)، بانو دکتر
 بہینہ رائی (اشفاق و املای فارسی)، و دستور نامہ و مقالات متعدد دیگر .

بنام خدای بخشاینده بخشایشگر

بنیاد کار کتابت و موضوع آن حروف و کلمات است. بر شخص کتاب و خطاط لازم است که نخست احوای دست از پانزده

دوم ترکیب صحیح رسم الخطی آزرآمعی دارد. و در هر پنجم خوشنویسی کند و در ده زیبانی بخارد. مثلاً کلمات

مادر ، محیط ، مذهب ، معتقد ، تثبیت ، بست ، صنیع ، بی بر را بچگونگی که نوشته
نویسد. (محیط ، مذهب ، معتقد ، تثبیت ، بست ، صنیع) . بعد از احوای صحیح رسم الخط دست آنگاه

رعایت کند که بدنام و نام زیبا سخت خوانده نباشد مثل :

مادر ، محیط ، مذهب ، معتقد ، تثبیت ، بست ، صنیع بیبر

و دست آن را که مادر ، محیط ، مذهب ، معتقد ، تثبیت بست ، صنیع صنیع ، بی بر است ننویسد. بعد از این در رعایت

آنگاه در ده زیبانی و سخن سلیقه خوشنویسی کند. تا این که در مدار خطاط و نیز جوهر و توجیه قرار ندهد خط او ارزشی نخواهد داشت.

و هر چند که در زیبا بنویسد با احوای غلط هر دو با ترکیب نادرست ناپسند است .

برای این منظور لازم است که خطاط و نیز جوهر دستوری زیر را مورد توجه و اجرا قرار دهد :

الف - اصل احتراز از النباس و اشتباه :

برین کلماتی که امکان اشتباه است خوب دقت کند و تفاوت برائی آنها را مد نظر بگیرد. از لحاظ شکل ، دندانه ، نقطه ، حرکات

ضوابط ، حروف تخیفیه :

۱- از لحاظ شکل مانند : تنذیب ، تذیب ، احتراز ، اهتراز ، خوار خاد ، جوهرستن ، نحاستن ، خوان خان ، -

خوش خویش ، خورده خورده ، بی آرام بیارام ، فی ز تیریز ، حمید حمشید ، ناصر ناصر ، صرف صرف ،

ورد درد ، ولی دلی ، فلک ملک ، شش شیره ...

۲- از لحاظ دندانه مثل : تثبیت بست ، بینه بسینه ، بنشیند بنشیند ، نشسته و ...

۳- از لحاظ نقطه مانند : تور قوز ، نار نماز ، ریبا ، توفیر توفیر و ...

۴- از لحاظ حرکات و سکون و تنوین مانند : سخن سخن حسن ، زبردت ، ملک ملک ، بیاج بیاج ،

نجی نجی (از نجی بینه نجی خواست که بهی است چشم اجماز و کرامت از بمیرد بختی) (۱) اولی اولی ، عمران عمران
انعام انعام (ای گویان خرابات خدای شامت چشم انعام ماریه زانعامی چشم دعا فله)

تمتی تمتی (تمتی مکن که سنگرد او تمتی زاری مکن که نشنود او زاری زود کی) ، آخیز آخیز (دیجی) ، نور نور (شکوفه)
تعام تعام (۲) اصدات اصدات (۳) ، فصاحت ، رفافت ، بذار (موی بناگوش و چه) خذوا ، بنجد ، بسج
نور ، فرود بر ، شعی (بهتر رسیده شعی نیز ضبط کرده اند) ، بسستود ، بیزانی باز ذلت خواست ، اَلْبَدْرُ مُقْسَبٌ اَللّٰهُ اَنْفُسُ
لذکر ، لکمی و فادری حرکت فخر با بصاحت سکون مریکنا ، ای حرف میکارند مثل (هر کس با ضرره کند چه کار کند که کند) ،

فعل ، ذات ، اول ، ثانی ، آجل ، عاجل ، موقفا ، حقیقه ، بینه ، غفلت ، زود ، عاود ، بسب ، نجوا ، بهیاد افزنی ، بجز
۵- از لحاظ ضوابط که بجای خود برای رفع اشتباه و تفرات و چون :

عادت مثل (صد ۵) - اَلْعِلْمُ فِي الصَّغَرِ كَالنَّعِيْرِ فِي الْحَجْرِ - فَلْيَدْرِ الْخُرُوجَ قَبْلَ الْوُلُوجِ .

عادت شده نشاید (۵) - مُقَدَّرٌ ، مَبْرُورٌ ، كَمِيَّتٌ ، كَيْفِيَّتٌ ، اَنْبِيَّتٌ ، اَهْمِيَّتٌ ، بَشْتٌ ، نُوْبِيَّةٌ ، مَحْسَنَاتٌ ، مَبْلُغَةٌ ...
جزوه (۶) - رأی ، رأفت ، بُرأت ، فادون ، برأس ، شمس ، رؤسا ، هیات ، هیئت ، توأم ، اُتْمَاعٌ

اُتْمَاعٌ ، مَبْدَأٌ ، مَبْأٌ ، مَشَأٌ ، تَفْأَلٌ ، نَبَأٌ ، مَلَأٌ ، فَعَلٌ ، تَسَأَلُمٌ ، قِرَاءَتٌ ، بَرَاءَتٌ ، فِدَاءَتٌ ، دَاءَتٌ
ک سؤال ائمه ، مؤذنت ، رؤیا ، رؤیت ، موزن ، موزر ، لولوا ، تملوا ، مؤؤل ، مؤشأم ، مؤشون ، رؤفت ،
مؤشث ک بجزه ، بظوه ، بکافوه ، مؤفوه ، مؤوه ، ورام ، ضیاء ، نوا ، بهیاد (رشدنی)

بؤشب ، بؤشعی ، شعی ، مرقی ، انقوف ، جبرئیل ، میکائیل ، سائل ، سائل (۵) ، مخطنه ، تبره ، تولنه ، بیسم ، ان است

(۱) از فاتی (۲) مؤشث اول (۳) اصدات چه آورده اند اصدات زنا مشکان پیش آمده (۴) انعام بجای ایستادن در تیره ذلت
نعام یعنی انعام و مکان در زمان انعام .

(۵) در دستیار کمتر شکولات که در کلماتی چون (سائل ، قائل ، فاعل ، مفعول ، سائل) اگر جزوه آنها اصلی باشد از قبیل (سائل سائل)
که فاخذ از سائل است بصورت بجزه نریسند و در غیر اینصورت اگر اصل آنها باوا ، (اول) باشد بصورت یاد نویسند مانند
قائل ، قائل که اصل سئل و قول بوده است ؟

نامهای الفبا بهرزه نوشته میشود مانند: با، تا، ش، حا، خا، راه، زاه، طاه، غاه، فاه، حاه، یاد، پ
 کلماتی از قبیل ناپتون، تنوری، ژورژینی نیز بصورت بهرزه نویسنده .
 تذکر: در مثل این کلمات در فارسی رعایت بهرزه لازم نمیدانند؛ ابتدا، اعضا، انبا، اولیا، صحرا، بقا،
 طلا، آنکا، حمرا، استهرا، اجلا، عطا، ... اگر بعضی از نویسندگان هم بنا بر رعایت (اصل کلمه) بهرزه
 اینها بگذارند و فقط در بنیاد و بنا بر این نوشتن بهرزه بر اصل تعلق کتب محفوظ خواهد بود مگر جایی که اشتباه و انتساب
 پیش آید چون بنا (ارزش)، بهاء (روشنی)، و چون آرا (جهان آرا)، وآراء (جمع رأی) و امثال اینها
 مذ (سه) - آزاده، آگاه، آسایش، آدم، آمال، آناه، آلاء، آبل، لالی، شاست، مآب،
 یات، آقن

ع - از لحاظ حرف خفیفه مانند: جاسرس، خانوشما، جانی، نیکونی، خوشبختی، آمین، زانو، دارائی، پانیز
 آینه، صوفی، ماهی که در این کلمات یا خفیفه ای بجای مثل و یا بعضی نقطه ای، روی کلمه گذشت می شود تا هم جمع جز
 شود و هم از اجتماع نقاط در زیر کلمه پراش گردد. رعایت این قاعده بریده و خطوط صحن بسیار مناسب و بهتر است
 برای مثال نیز از شاخه ها دست آورده که شیعی نقل میکنند (زمین بیخ و تخت تو باد، خاک سایه فرخنت تو باد) و در مثل
 این مورد: بدان داد ما را کلاه بزرگ کبریا کنیم از روی میس-گرگ) نوشتن یا بزرگ را بعد از ما، اما اگر در است
 بنیزه آنچه که گفته شد اگر برای رفع اشتباه نیازی به علامات قدر تو کوچک باشد از حروف صغیر بهره جستفاده میکنیم

مانند زانده باد در کلمه نصیب، تا به نصیب اشتباه نشود. و مانند پیسم پیسم پیسم و ...
 تذکر: در دستنویسی هر چند حرکات و کسب خوب باشد باید از شکلی که باعث مشتبه شدن بیکدیگر است خودداری کند
 که آنها را در تعلیم خط شکسته بازنویسند. و در سایر خطوط نیز این نکته را مری دارند تا بسنند و خواننده به آسانی بتواند نوشته
 بی برد و بدون زحمت بخواند چه در خط ناخوانا با زبان کنگ تعلق آتی ندارد بلکه خط الکن و لنگ زشت تر
 از زبان الکن و لنگ است «مانند بهار»

ب - اصل اتصال و انفصال :

پیرستہ دستہ نوشتن کلمات نقش متنی را در عبارات و جملہ بازی میکند در رعایت آن با نظر گرفتن تمام قواعد املی و رعایت (کم کوشی و زحمت کمتر) بهم موجب سولت و ہم سبب زیبایی نظر میگردد. و این اصل در ملاحظه و یکی حروف مفصله و حروف مفصله که نویسنده باید مواظبت کند بهیچ وجه نباید و ناچار بر ایمای خود و بعد خود صحیح بنویسد و حروف مفصله را به حرف بعد از خود چنان نزدیک ننویسد که باعث بختی زنا خوانی شود. (مثل چلایان بهشتی ص ۵۶) - دوم رعایت اتصال و انفصال دو کلمه مرکب مانند :

^۱ پیشگاه ، دستیار ، بنجیار ، دلکش ، دستمال ، گوشمال ، حمام ، پاشک ، جدم ، (همه از بزبانی سبزی است) ،
 بسفر ، صحبت ، (بغشین تر از تو باید) ، بهراز ، بهکار ، بهخواب ، بهچین ، بهسر ، بهراه ، صاحبان صابون
 صاحبقران ، یکدل ، یکسر ، یکرویہ (بزرگان بر پیش جان آفرین ننماید کردید مرغ برین) ، یکبارہ ، یکفرد
 یکسال ، یکشبہ (این مثل کیشہ رو یکسال میرود) ، پنجره زوہ (هر کسی پنجره زوہ نوبت اوست) ، یک رنگ -
 (هر کسی بریند مشفق یک رنگ کوش داد گلهای رنگ رنگ ز شاخ نرادرید) ، شکوی ، مانترخ مابود ، گھرغ -
 گلاب ، گھرنگ ، گلزار ، گلستان ، گلشکر (گر گلشکر خوری تکلف نمان کند) ، چلبستون ، دھکدہ
 ، باغبان ، تختواب ، قهقهہ ، جمہد ، کشکش ، فاضلاب ،

نیکو ، نیکسرای ، نیکو ، نیکبخت ، (تو با خلق نیک کن ای نیکبخت) ، گوشواره ، جاندار ، نامار ، دولت مند
 رضیخانہ ، کتابخانہ ، کھنڈا ، دلارام ، دلار ، دلبر ، گردنفرز ، بیگار ، بیگام ، (ہر آن دینور کو نہ بدین بود
 زیزدان و از منش نقرین بود) ، دلچسب ، دلشین ، دلپذیر ، دلخواہ ، دلخوش ، دلدادہ ، دلنگ ، دل سرد ،
 و بچہ گھٹو ، جستو ، رستخیز ، شناسنامہ ، روانشناسی ، پشینیان ، پیشینیان ، گھن ، گلشن ،
 گلچین (خوش گلشنی است حیث کہ گلچین روزگار فرصت نیندہ کہ ناماش کند کسی) ، مجزہ ، بست (یکہ وجیب)
 روشستر ، خوبتر ، مطلوبتر ، مرغوبتر ، گرازشگر (۱).....

(۱) در روزنامه‌های جنوبی نوشته‌ام (گزارش کتابہ دین اورفت) ، با فوٹو مقصد از اینم (گزارش کتابہ دین اورفت) +